

علل تضادها و اختلافات درونی رژیم

تضاد و کشمکش‌های درون مقامات و جناح‌های حکومتی، قدمت دیرینه دارد، عناصر و جناح‌های رژیم، در دوره‌های متفاوت، رقیبان خود را، به غارت‌گری اموال عمومی و فساد مالی - اداری متهم می‌کنند، تا ماهیت و چهره جناح خود را، از اذهان عمومی پاک و منزّه جلوه دهند. البته، شرط ورود عناصر وابسته به سرمایه، در حمله، به بنیان‌های اساسی نظام، و همچنین، در توضیح، و در چرائی علل اصلی اوضاع ناهنجار و در هم ریخته زندگی میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش، نیست؛ چرا که گداهای ورود به اختلافات روشن، و متعاقباً حوزه‌های یقه‌درانی به یک‌دیگر هم، تعیین شده است. چرا که همه عناصر و جناح‌های متفاوت رژیم، مدافع و موافق قانون اساسی نظام‌اند و بنابه گفته "رهبر"، همه‌شان از یک "خانواده" و سوار بر قطار واحد، به مقصدند. در بستر چنین تعلق و وابستگی‌ایست که نباید و نمی‌بایست، رو کردن فساد مالی و اداری (که قبل از مرگ رفسنجانی ابعاد گسترده‌ای یافته بود)، و یا نعره کشیدن‌های سر دولت "تدبیر و اعتدال" روحانی، با دیگر قوای نظام همچون قوه قضائیه، پیرامون دزدی‌ها و بالا کشیدن اموال عمومی جامعه را، جدی گرفت و آنرا مایه‌دار دانست. مدت‌هاست که "افشاگری" و "بگم و بگم"ها، به سیاست روتین قوای و عناصر حکومتی - دولتی تبدیل گشته است و در این‌میان، یکی خواهان رو کردن اموال و حساب و کتاب های قوه قضائیه است، و دیگری، مدافع توضیح، و "شفاف سازی"، خرج و دخل‌های قوه مجریه می‌باشد!! یکی دیگری را متهم به "فرافکنی و بی تدبیری" می‌کند و آن یکی، آنرا به پای بازی‌های پیشا انتخاباتی می‌نویسد.

در هر صورت و جدا از، طرح جنبه‌هایی از حقایق، توسط عناصر و جناح‌های رقیب حکومتی - دولتی، پیرامون غارت اموال عمومی، آنچه در ورأی اختلافات سردمداران رژیم پیداست، آن است که نظام جمهوری اسلامی، در موقعیت بحرانی و بغرنجی قرار گرفته است، که تجلی آنرا می‌توان، در جنگ و جدل‌های درونی آن به‌عینه مشاهده نمود؛ جنگ و جدلی که بر سر سهم‌خواهی بیش از این، و همچنین در اداره بهتر و طولانی‌تر نمودن عمر نظام جمهوری اسلامی و آنهم به عنوان نظام مدافع سرمایه‌های بین‌المللی است. آشکار شده است که هدف همه عناصر و جناح‌های متفاوت رژیم، بقای نظام است، مقصود همه، مشروعیت بخشیدن به قانون اساسی جمهوری اسلامی، و برسمیت شناختن نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه می‌باشد؛ علاوه بر همه این‌ها آشکار شده است که، درگیری‌ها، و یا بالا و پائین کشیدن فتیله اختلافات از جانب طرفین نظام، به معنای تعلق و وابستگی آنان، به منفعت و به افکار پائینی‌ها نیست؛ چرا که نظام جمهوری اسلامی، بمانند همه نظام‌های سرمایه‌داری، غرق در بحران اقتصادی - سیاسی است.

به عبارتی دیگر، دهه‌هاست که جهان، در وضعیت بسیار دهشتناکی قرار گرفته است؛ دهه‌هاست که چشم‌اندازهای زندگی کارگران و زحمت‌کشان، در اثر سیاست‌های ریاضت‌کشی سرمایه‌داران بین‌المللی، کم‌سو و تاریک شده است، در این مابین، میلیون‌ها انسان دردمند، در اعتراض به سیاست‌های جنگ‌طلبانه و سرکوب‌گرانه نظام، به خیابان‌ها سرازیر شده‌اند و خواهان حقوق پایمال شده‌شان می‌باشند. در حقیقت خیابان‌های جهان، به صحنه مخالفت‌ها، خیزش‌ها و نبرد قربانیان نظام‌های امپریالیستی تبدیل گشته است، ترس و وحشت سرمایه‌داران جهانی، از رادیکالیزه شدن اعتراضات کارگری - توده‌ای است، بیهوده نیست که به انجای گوناگون می‌کوشند، تا علل هزاران مصائب اجتماعی، بی‌خانمانی و نداری میلیون‌ها انسان محروم را به سیاست‌های ناصحیح و یا در "بی تدبیر"ی، جناح‌های رقیب نسبت دهند، و چهره کریه نظام - و آنهم بعنوان نظام استثمارگر و چپاولگر - را تطهیر نمایند.

نظام جمهوری اسلامی بناحق است، همه و از جمله خامنه‌ای، روحانی، خاتمی، ولایتی، لاریجانی‌ها و غیره، در این چند دهه، و علی‌رغم تنش‌ها و اختلافات بی‌مایه و صوری، در خانه‌خرابی زندگی کارگران و زحمت‌کشان و در چپاول اموال عمومی جامعه، کمترین اختلافی با هم نداشته و ندارند، در این‌میان هیچ دُوره‌ای از حیات و زمامداری جناح‌های متفاوت رژیم وابسته جمهوری اسلامی را نمی‌توان یافت، که مردم از دست، دزدی‌ها و فساد اداری - مالی بالائی‌ها، در امان بوده باشند؛ هیچ دُوره‌ای از حکومت‌داری جناح‌های متفاوت نظام را نمی‌توان یافت، که زنان، مردان و جوانان، طمع سرکوب و محدودیت‌های سیاسی و بگیر و بندها را، با پوست و گوشت‌شان لمس نکرده باشند. اما و در عوض، بارها و بارها، دیده‌اند که سر "آفتابه" دزدان را به دار کشیده - و می‌کشند -، تا سر دزدهای کلان محفوظ بماند؛ بارها و بارها، دیده‌اند که چگونه سران حکومت‌ها و دولت‌های رنگارنگ‌شان، به مجازات و به اعدام مصرف‌کنندگان مواد مخدر می‌پردازند تا بر سرمایه‌های وارد و توزیع‌کنندگان اصلی آن بی‌افزایند. طبعاً مشاهده چنین تصویر و اوضاعی جهانی و عمومی‌ست، بر همین اساس، همه در غارت اموال عمومی شریک‌اند و همه در سرکوب اعتراضات بحق کارگران و زحمت‌کشان، هم سو و هم‌نظراند، و همه، در به اسارت کشاندن هر چه بیش‌تر فضای سیاسی جامعه موافق‌اند. فساد، غارت و سرکوب، از زمره سیاست‌های پایه‌ای عناصر و جناح‌های متفاوت نظام جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد، جامعه ایران، در این چند دهه شاهد بوده است که، چگونه پول میلیون‌ها بشکۀ نفت و گاز و دیگر منابع مملکتی، به جیب این و آن عنصر، و یا جناح حکومتی - دولتی سرازیر شده است؛ شاهد بوده است که، چگونه دولت‌های رنگارنگ رژیم، در این چند دهه، و آن‌هم به بهانه‌های گوناگون، به کُشت و کُشتار کارگران، زحمت‌کشان، جوانان و خلق‌های ستمدیده ایران پرداخته‌اند؛ شاهد بوده است که، چگونه در این چند دهه، هزاران کمونیست، مبارز و مخالف را به وحشیانه‌ترین شکل ممکنه به مسلخ مرگ کشانده‌اند و چگونه، در درون زندان‌ها، حمام خون براه انداخته‌اند؛ شاهد بوده است که، چگونه در این چند دهه، میلیون‌ها کودک از فرط نداری والدین‌شان به نیروی کار تبدیل گردیده‌اند، شاهد بوده‌اند که فساد، در اثر زیاده‌خواهی‌های جناح‌های متفاوت رژیم، در درون ایران نهادینه شده است، تا جایی‌که اخیراً «محمد جعفر منتظری» گفته است "... برخی از قضات پس از چند وقت به عرصه فساد کشیده می‌شوند."

آری، سران حکومت و قوات متفاوت نظام در ایران، از چنین خاصیتی برخوردارند و بی‌دلیل هم نیست که قضاوت عادلانه در ایران، کمترین جایگاهی ندارد. میلیاردها تومان سرمایه مملکت، در اثر بند و بست‌های سران قوا، به جیب این و آن سرازیر می‌شود، بنابه گفته عراقی، معاون وزیر نفت، "روزانه ۶۰ میلیون متر مکعب گاز در ایران گم می‌شود" و دکل نفتی ۸۷ میلیون دلاری" و آن‌هم در دالان‌های به اصطلاح حامیان "مستضعفین" و اموال عمومی ناپدید می‌گردد، کسی پاسخگو نیست. به طور یقین چنین اوضاعی نمایان‌گر این واقعیات است که، بنیۀ این نظام، بر بی‌عدالتی‌ها، بر غارت اموال عمومی، و بر سرکوب عدالت پای ریخته شده است، بی‌جهت نیست که سرمایه "رهبر" و دیگر دار و دسته‌های نظام، از زیر ذره‌بین و از حساب و کتاب‌های دولتی بدور است؛ بی‌جهت نیست که سرمایه لاریجانی‌ها، روحانی‌ها و دیگر قوم و خویشان حکومتی‌یان، قابل شمارش نیست و هم‌چنان دارند از کانال و از مسیرهای به اصطلاح قانونی نظام، بر سرمایه‌های نجومی خود می‌افزایند. بیهوده روحانی، سر قوه مجریه، داد و قال براه می‌اندازد، و یا لاریجانی، سر قوه مقننه، از "بگم و بگم"ها و از انحرافات اداری - مالی دولت سُخن می‌گوید. چرا که پرونده دزدی‌های همه عناصر نظام، بسیار قطور و سنگین است و همه عناصر و جناح‌های متفاوت رژیم، سر و ته یک کرباس‌اند، و همه در بالا کشیدن اموال عمومی دارند، گوی سقبت را از یک‌دیگر می‌ربایند، و همه بر آنند، تا با جابه‌جائی اصل با فرع، مسیر بالنده جامعه و افکار عمومی را منحرف سازند.

خلاصه مشاهده‌چنین روند و غارت منابع و اموال عمومی جامعه، در زیر سلطه نظام‌های امپریالیستی و رژیم‌های وابسته‌ای همچون رژیم جمهوری اسلامی، امری معمولی و طبیعی‌ست. در حقیقت خاصیت این نظام‌ها در استثمار کارگران و زحمت‌کشان، و در بالا کشیدن ثروت بی‌انتهای جوامع بشری‌ست. قدرت‌مداران بین‌المللی به‌مراه نظام‌های خشن و هاری همچون نظام جمهوری اسلامی، دارند سیاست جنگی و سرکوب مطالبات پایه‌ای توده‌های دربند را، پی می‌گیرند تا جهان سرمایه‌داری را، از بحران مزمن نجات دهند؛ به زندگی بخور نمیر کارگران و زحمت‌کشان تعرض می‌کنند تا بر زندگی نکبت‌بار خود، رنگ و جلای بیشتری بخشند؛ جناح‌های مخالف حکومتی - دولتی را، مورد "لعن و نفرین" قرار می‌دهند، تا سیاست‌های جنایت‌بار کلیت نظام را، مقبول جلوه دهند. بر این اساس و بنابه چنین ادله‌های روشنی، هیچ‌یک از عناصر و جناح‌های متفاوت رژیم جمهوری اسلامی، تفاوتی با یک‌دیگر نداشته و باید بزیر کشیده شوند، و رژیم و نظامی، بر سر کار آید که حافظ و حامی کارگران و زحمت‌کشان باشد. بدون کم‌ترین تردیدی جوامع انسانی، تنها و تنها، در زیر سایه چنین نظامی‌ست، که شاهد فساد اداری - مالی، و همچنین شاهد به یغما بردن ثروت و اموال عمومی جامعه نخواهد بود.

شبهانگ راد

مندرج در نشریه‌ی پیام سیاهکل، ارگان سازمان ۱۹ بهمن، شماره‌ی ۳۵، دی‌ماه ۱۳۹۵

[بازگشت](#)